

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و سوم

پاییز ۱۳۹۹

نقش حاملان قرآن در گسترش و نهادینه‌سازی اهداف پیامبر اسلام ﷺ

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۸/۲۵

جهانبخش ثواقب^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ با تدبیری سنجیده و با محوریت فراگیری حفظ و آموزش قرآن کریم، گروهی زبده از قاریان و حافظان را تربیت کرد که جامعه قرآنی صدر اسلام را تشکیل می‌دادند. آن حضرت با بهره‌گیری از همین نیروهای قرآنی توانست با نشر آیات قرآن در میان مردم از طریق بیان که تنها ابزار ارتباطی آن روزگار بود، اندیشه توحیدی را در جامعه شرک‌آلود جزیره‌العرب گسترش دهد.

سپس بر اساس این نظام فکری و در پرتو مجاهدت‌های همان جامعه قرآنی در دوران جنگ و جهاد و پایه‌گذاری حکومت نبوی، امت واحده اسلامی را تحقق بخشید. این گروه از یاران به سبب جایگاه ویژه‌ای که در جامعه اسلامی و نزد پیامبر ﷺ کسب کردند در جهت ترویج رسالت آن حضرت به ایفای نقش پرداختند.

در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، نقش حاملان قرآن از اصحاب رسول خدا ﷺ در روند رویدادهای ایام رسالت و ترویج و تبلیغ آموزه‌های قرآنی در جزیره‌العرب و بیرون از آن، بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش

۱. استاد تاریخ دانشگاه لرستان: (jahan_savagheb@yahoo.com).

نشان می‌دهد که این حاملان قرآن، نیروی کارآمد عمل‌کننده در اجرای برنامه‌های پیامبر اسلام ﷺ و نشر معارف قرآنی در جامعه و میان مردم بودند.

کلیدواژگان: قرآن کریم، رسول‌الله ﷺ، حاملان قرآن، حکومت نبوی، تاریخ اسلام.

۱. مقدمه

به فرموده قرآن کریم، پیامبر ﷺ یک مُبَلِّغ^۱ (پیام رساننده) و داعی الی‌الله^۲ بود که مردم را به یک دعوت (توحید) فرا می‌خواند. ابزار او کلام؛ یعنی همان قرآن و بیان؛ یعنی تلاوت آن در میان مردم بود. این کار از طریق جامعه قرآنی مرکب از نیروهای شاخص حافظ و قاری قرآن پی‌گیری می‌شد که پیامبر خدا ﷺ آن را طراحی و مدیریت می‌کرد. در رأس این جامعه قرآنی، رسول‌الله ﷺ قرار داشت که دریافت‌کننده آیات نورانی قرآن کریم بود و این آیات را به جماعت آن روز ابلاغ می‌کرد.

سپس با بهره‌گیری از آیات قرآنی، تلاوت و آموزش آن‌ها در میان مردم، تعلیم حکمت، تبیین مفاهیم دینی، پاسخ‌گویی به پرسش‌های مردم به شیوه‌های گوناگون ارشادی، تبلیغی، تبیان، استدلال و براهین، موعظه حسنه، جدال احسن، سیر و سفر در شهرها و در میان قبایل و تماس فردی و جمعی با افراد و گروه‌های مختلف به ویژه در موسم حج که کاروان‌های قبایل مشرک به مکه می‌آمدند در شرایط و موقعیت‌های گوناگون، جان‌های آماده را به دین جدید می‌گروانید و پیروان را در شرایط بحرانی فشارها، محاصره‌ها، تهدیدها و مشکلات به صبر و پایداری و امید به پیروزی نهایی فرا می‌خواند. سرانجام، آن حضرت توانست با زدودن شرک و بت‌پرستی از جامعه جاهلی، آهنگ توحید و نوای قرآن را بر فضای جزیره‌العرب طنین‌انداز نماید و امت واحده‌ای مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی با محوریت قرآن پدید آورد. بی‌گمان در تحقق این طرح بزرگ قرآنی

۱. مائده: ۶۷، ۹۲، ۹۷؛ نور: ۵۴؛ عنکبوت: ۱۸.

۲. احزاب: ۴۶.

که هدف مهم دعوت رسول الله ﷺ بود، هر یک از حاملان قرآن به فراخور اهتمام و تلاش خود به ایفای نقش می‌پرداختند و پیامبر خدا ﷺ را یاری می‌کردند.

هدف این پژوهش، تبیین برنامه‌های پیامبر ﷺ برای پایه‌گذاری جامعه قرآنی و بررسی نقش حاملان قرآن در حوادث عصر نبوت است و بر دو مسئله تأکید دارد: ۱. تبیین برنامه‌های پیامبر ﷺ برای تأسیس جامعه قرآنی و ۲. تحلیل نقش جامعه قرآنی در رویدادهای عصر نبوت، ترویج معارف قرآنی در جامعه و گسترش رسالت نبوی.

بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که جایگاه و عملکرد جامعه قرآنی در گسترش اهداف رسالت دینی پیامبر اسلام ﷺ چگونه بوده است؟ فرضیه این پژوهش، آن است که رسول خدا ﷺ دعوت خویش را با ایجاد تشکیلات گسترده و فراگیر قرآنی به نتیجه رسانید و حاملان قرآن، بازوان عمل‌کننده ایشان در بیشتر حوادث عصر رسالت بوده‌اند.

این پژوهش از نوع تاریخی است که در مرحله گردآوری اطلاعات با تکیه بر منابع اصلی تاریخ اسلام در حوزه‌های منابع تاریخی، رجال، تفسیری و قرآنی به روش کتاب‌خانه‌ای و در مرحله تبیین و بررسی با رویکردی توصیفی-تحلیلی سامان یافته است. در بررسی پیشینه موضوع با چشم‌پوشی از تألیفات اخیر که در تاریخ قرآن کریم با همین عنوان از سوی کسانی مانند حجتی (۱۳۷۳)، معرفت (۱۳۷۵) و رامیار (۱۳۷۹) انجام گرفته است، پژوهش‌های دیگر بیشتر بر تفاسیر قرآن، علوم قرآنی، مفاهیم مختلف قرآن، چگونگی جمع‌آوری و تدوین قرآن کریم، منشاء اختلاف قرائات در قرآن، قراء سبعة و قرائات ایشان، متمرکز شده‌اند.

به عنوان نمونه می‌توان به آثار احمدرضا نوازی (۱۳۷۲)، بررسی چگونگی جمع‌آوری و تدوین قرآن کریم از عصر پیامبر ﷺ تا عصر عثمان (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک)؛ فاطمه هاشمی (۱۳۷۲)، منشاء اختلاف قراءات در قرآن (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران)؛ محمدعلی لسانی فشارکی (۱۳۷۲)، قراء سبعة و گزارش و بررسی قرائات ایشان (رساله دکتری، دانشگاه تهران) اشاره کرد.

هم‌چنین، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد متعددی با عنوان جمع و تدوین قرآن در دانشکده الهیات تهران، مانند داود مصطفوی (۱۳۵۴)، غلامرضا علیرضایی (۱۳۵۰)، احمد فغانی (۱۳۶۸)، نادر مجتبی‌ ثمرین (۱۳۶۹) و مریم ایمانی خوشخو (۱۳۷۰) نوشته شده‌اند. بنابراین در حدّ تتبع نویسنده، موضوع خاصّ این مقاله از سوی پژوهش‌گران مورد توجه قرار نگرفته است.

از این‌رو، بررسی نقش جامعه قرآنی، گروه برجسته حامی و فعال در رویدادهای آغازین اسلام و جامعه اسلامی ضرورتی است که در این مقاله به آن می‌پردازیم. تبیین نقش این گروه زبده و کارآمد در ترویج آیات قرآن و اهداف پیامبر اسلام ﷺ در جامعه جاهلی و تأسیس و تثبیت جامعه اسلامی و گسترش فرهنگ قرآنی، این مقاله را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند.

۲. تعریف مفهومی

حاملان یا جامعه قرآنی صدر اسلام در حیات رسول‌الله ﷺ در تعریف خاص همان حافظان، قاریان و آموزش‌دهندگان قرآن بودند که مأموریت تبلیغی داشتند و تنها فراگیران شخصی قرآن نبودند، اما در مفهوم عام آن شامل حافظ، قاری، مُبلِّغ، مفسّر، فقیه، کاتب، جامع و مُدوّن قرآن، غالب چهره‌ها و گروندگان شاخص اولیه به اسلام و یاران برجسته پیامبر ﷺ بودند که هرکدام به نوعی خدمات ارزنده‌ای را در مسیر اهداف قرآن و در روند تحولات تاریخ اسلام انجام داده‌اند.

اسامی این حاملان در کتاب‌های تاریخ، انساب و تاریخ قرآن به‌طور مشخص با ویژگی قرآنی در یکی از عناوینی که پیش‌تر بیان شد، آمده است. به عبارتی، حاملان بخشی از صحابه برجسته و مؤثر و در هسته مشاوران، حامیان و فعالانی بودند که یاوران یا حواریون پیامبر ﷺ در نشر قرآن در میان مردم به شمار می‌رفتند و در تشکیلات قرآنی که برای دعوت طراحی شده بود، نقش مؤثری در فراگیر شدن دعوت پیامبر ﷺ داشتند.

در پرتو کوشش آنان در تشکیلات قرآنی پیامبر ﷺ زمینه گسترش اسلام در جامعه جاهلی فراهم شد. این گروه که با ویژگی قرآنی و صحابی ممتاز شدند و در عصر نبوت با مدیریت پیامبر ﷺ از هم‌گرایی مطلوبی برخوردار بودند در آموزش دینی جامعه، نشر قرآن، مأموریت‌ها، فرماندهی جنگ و دیگر حوادث زمان مؤثر بودند.

۳. پایه‌گذاری جامعه قرآنی از سوی رسول خدا ﷺ

یکی از برنامه‌های رسول‌الله ﷺ در برابر مخالفت‌های مشرکان با دعوت الهی او، حفظ و صیانت از قرآن کریم و نشر این پیام آسمانی در جامعه بود تا با فراگیر شدن آن، صدای کفر و شرک به خاموشی گراید. یکی از راه‌های تحقق این هدف به‌خاطر سپردن آیات قرآن بود که خود آن حضرت اهتمام زیادی به این امر داشت.

پیامبر ﷺ با خواندن سوره‌های قرآن در نماز،^۱ ایام مختلف شب و روز، در سفر و حتی سواره،^۲ هنگام جنگ در برابر دشمن^۳ و برای برانگیختگی یاران به جنگ و سلحشوری^۴، هم در حفظ آیات قرآنی کوشش می‌کرد و هم یاران را تشویق به فراگیری و حفظ آیات قرآن می‌نمود^۵ و هم این‌که با خواندن آیات قرآن، اعراب را جذب می‌کرد؛ زیرا قرآن اثری عمیق و نافذ داشت.

۱. البخاری، صحیح، ص ۹۰۳-۹۰۴؛ سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۸؛ مقدسی، *المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، ص ۱۹۵ و بعد؛ ابن‌ضریس بجلی، *فضائل القرآن*، ص ۲۷، ۲۸.

۲. البخاری، صحیح، ص ۹۰۹؛ منذری، *مختصر صحیح مسلم*، ص ۱۷۹، ۱۸۰، ۹۹۸.

۳. توبه: ۵، ۱۲، ۱۳، ۲۹، ۳۶؛ سوره بقره، آیات ۱۵۴، ۱۹۰، ۱۹۱؛ نساء: ۷۴، ۷۵، ۷۶.

۴. منذری، *مختصر صحیح مسلم*، ص ۵۳۱-۵۳۲.

۵. اعلی: ۶؛ حجر: ۹؛ قیامت: ۱۶-۱۹؛ طه: ۱-۲، ۱۱۴.

آن حضرت، قرآن را با صدای بلند می‌خواند و دوست داشت که قرآن خواندن دیگران را هم بشنود^۱ و آنها را در این کار، بسیار تشویق و ترغیب می‌کرد. با همه تلاش مشرکان در جلوگیری از گسترش آیات قرآن در جامعه و میان مردم^۲ و خاموش ساختن نور خدا، قرآن اثر جاودانی خود را آشکار کرد و آوای توحید بر جزیره‌العرب طنین‌انداز شد.^۳

پیامبر گرامی اسلام ﷺ یاران خود را تشویق می‌کرد که آیات قرآن را به خاطر بسپارند و با حفظ و قرائت آن به صیانت از این ودیعه الهی بپردازند.^۴ نتیجه آن شد که جمعی از قاریان و حافظان قرآن که معروف به حُفَاط و قُرَّاء بودند در حیات رسول الله ﷺ شکل گرفتند.^۵ آنان به عنوان حاملان قرآنی، خدمات ارزنده‌ای را در برنامه تبلیغی پیامبر خدا ﷺ، تثبیت موقعیت اسلام و حذف نظام جاهلی انجام دادند.

این گروه از یاران پیامبر ﷺ افزون بر این که آیات قرآن را در نمازهای واجب قرائت می‌کردند، با تمرین و ممارست در اوقات غیر از نماز، قرآن را حفظ می‌کردند^۶ و در مواقع لازم در مأموریت‌های تبلیغی، مواجهه با مشرکان، تأثیرگذاری بر دیگران، آشنا کردن افراد با اسلام و غیره، از این آیات بهره می‌گرفتند.

حضرت رسول ﷺ همه قرآن را تمام و کمال به حافظه داشت و خود پیشوای به حق قاریان قرآن بود. او هر سال در ماه رمضان، قرآن را بر جبرئیل می‌خواند و سال آخر، دو بار

۱. البخاری، صحیح، ص ۹۱۱؛ مسلم، صحیح، ص ۳۳۸-۳۳۹؛ غزالی، *احیاء علوم الدین*، ص ۳۳۱.

۲. سجده: ۲۶؛ قاضی ابرقوه، *سیرت رسول الله*، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۲، ۳۰۲-۳۰۴.

۳. صف: ۸؛ توبه: ۳۲.

۴. ابوسلیمان، *اضواء البیان فی تاریخ القرآن*، ص ۳۳؛ برای بحثی تفصیلی در این باره، رک: رامیار،

تاریخ قرآن، ص ۲۲۱-۲۵۷؛ حجتی، *پژوهشی در تاریخ قرآن*، ص ۲۳۵-۲۴۶.

۵. مقدسی، *المرشد الوجیز*، ص ۴۸.

۶. رک: رامیار، *تاریخ قرآن*، ص ۲۳۱-۲۴۷؛ حجتی، *پژوهشی در تاریخ قرآن*، ص ۲۴۰.

خواند.^۱ افزون بر این، آن حضرت تلاش می‌کرد که توجه و اهتمام به قرآن را در یاران خود و دیگر مسلمانان تشویق کند. اصحاب وی، قرآن را از او فرا گرفتند و بر آن بودند که همان‌طور که از پیامبر شنیده‌اند، کلمات را ادا کنند.^۲

پیامبر ﷺ دیگران را ترغیب می‌کرد که هرچه می‌توانند قرآن را حفظ کنند.^۳ وی با بهره‌گیری از شیوه‌ی إقراء که در آن دعوت‌کننده، قاری قرآن را به خواندن فرا می‌خواند و با استماع قرائت او لغزش‌ها و اشتباهات احتمالی او را یادآور می‌شد، یاران خود را به خواندن قرآن تشویق می‌کرد.^۴ درباره عبدالله بن مسعود (د. ۳۳ق.) آمده است که او هفتاد سوره را از زبان رسول خدا ﷺ فراگرفت^۵ و بقیه سوره‌ها را از امیرالمؤمنین حضرت علی رضی الله عنه فراگرفت.^۶ پیامبر ﷺ برای تشویق می‌فرمودند:

۱. البخاری، صحیح، ص ۹۰۴؛ مقدسی، المرشد الوجیز، ص ۴۸، ۵۰؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۶۰؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۳۲۲.
۲. ابن ضریس بجلی، فضائل القرآن، ص ۴۴-۵۲؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۳۲۲، ۳۲۳.
۳. منذری، مختصر صحیح مسلم، ص ۹۹۱-۱۰۰۱؛ کنانی، نظام الحکومه النبویه المسمی الترتیب الاداریه، ج ۱، ص ۴۱-۴۲؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۲۲۵.
۴. مقدمتان فی علوم القرآن: مقدمه کتاب المبانی و مقدمه ابن عطیه، ص ۲۳؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۶۱؛ ابن ضریس بجلی، فضائل القرآن، ص ۲۷-۳۲؛ خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۸؛ برای نمونه، پیامبر اسلام ﷺ پس از شنیدن قراءت ابوموسی اشعری درباره او فرمود: «لقد اوتی هذا من مزامیر آل داود.» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۶۲؛ ابو عبید، فضائل القرآن، ص ۷۸؛ متقی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۶۰، ۲۶۲؛ ذهبی، کتاب تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲۲)؛ وقتی پیامبر ﷺ به مدینه آمد، زید بن ثابت هفده سوره قرآن را قرائت و حفظ کرده بود. این سوره‌ها را بر رسول خدا ﷺ خواند که موجب شگفتی آن حضرت شد و به زید گفت: کتابت و خط یهودی‌ها را فرا گیر و او در مدت پانزده روز آن را فراگرفت. (ذهبی، کتاب تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲۷)
۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۶۰؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۲۸۱؛ السجستانی، کتاب المصاحف، ص ۷۴، ۷۶، ۷۷؛ البخاری، صحیح، ص ۹۰۵.
۶. طوسی، الامالی، ص ۶۰۶؛ الزنجانی، تاریخ القرآن، ص ۴۳.

«بهترین شما و یا برترین شما کسی است که قرآن را خود بیاموزد و به دیگران آموزش دهد»^۱؛ «بهترین عبادت امت من، قرائت قرآن است»^۲؛ «بزرگان امت من، حاملان قرآن و شب‌زنده‌داران‌اند»^۳؛ «حاملان قرآن، نمایندگان و سرپرستان اهل بهشتند و مجتهدان جلوداران اهل بهشتند و پیامبران آقاییان اهل بهشتند»^۴؛ «حاملان قرآن غرق در رحمت خدا هستند و به نور خدا پوشیده شده‌اند(نورانی شده‌اند)»^۵؛ «برترین بندگانی که خدا پس از پیغمبران، عالمان هستند سپس حاملان قرآن. بیرون می‌روند از دنیا همان‌گونه که پیغمبران بیرون می‌روند و برانگیخته می‌شوند از قبرهایشان با پیغمبران و بر صراط با پیغمبران گذر کنند و پاداش پیغمبران را می‌گیرند، پس گوارا باد جوینده دانش و حامل قرآن را از آنچه ایشان نزد خدا از بزرگواری و شرف دارند»^۶

۱. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۴، ص ۸۲۵؛ ابن ضریس بجلی، فضائل القرآن، ص ۷۶-۷۹؛ البخاری، صحیح، ص ۹۰۸؛ ترمذی، سنن، ص ۸۲۴، ۸۲۵؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ص ۳۲۳؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۳۲۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۶؛ النووی، التبیان فی آداب حمله القرآن، ص ۲۵، ۳۲.
۲. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۳۳۴؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ص ۳۲۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹.
۳. صدوق، الخصال، ص ۲۳۴.
۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۶.
۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹؛ السبزواری، جامع الاخبار، ص ۱۱۵.
۶. همان، ج ۸۹، ص ۱۸-۱۹؛ همان، ص ۱۱۴.

در اثر این تشویق‌ها بود که ابو عبدالرحمن عبدالله بن حبيب سلمی کوفی (د. ۷۲ق.) قریب هفتاد سال از عمر خود را به آموزش قرآن گذراند.^۱ هم‌چنین، عبادة بن صامت (د. ۳۴ق.) به اهل صُفّه قرآن می‌آموخت.^۲ در عمل می‌بینیم که صحابه در جنگ‌ها جان‌فشانی می‌کردند و در صلح و آرامش، سرگرمی و کارشان آموزش قرآن بود. میان انصار هفتاد مرد جوان بودند که آن‌ها را قاریان قرآن می‌نامیدند. آن‌ها شب‌ها در گوشه‌ای از مدینه جمع می‌شدند، نماز می‌گزارند و قرآن می‌خواندند و تا هنگام صبح بیدار بودند.^۳

رسول خدا ﷺ در مسجد، حلقه‌ای از یاران خود تشکیل می‌داد و قرائت قرآن می‌کردند. در واقع، اجتماع صحابه بیشتر در مسجد و به شکل حلقه بود و سرگرمی ایشان، فقه و قرآن بود.^۴ بیرون از مسجد هم به صبح و شام سرگرم آموزش قرآن بودند. زنان و فرزندان خود را می‌آموختند^۵ و بدین ترتیب آموزش قرآن از همان روزهای نخست فراگیر شده بود. رسول خدا ﷺ خود شب هنگام به این حلقه‌های آموزش قرآن می‌رفت. قرائت آن‌ها را گوش می‌کرد. میزان حفظ و اسلوب قرائت آن‌ها را بررسی و اصلاح می‌کرد.^۶

۱. ابن‌کنیر، فضائل القرآن، پایان تفسیر ابن‌کنیر، ج ۴، ص ۶۴.

۲. ابن‌اثیر الجزری، أَسَدُ الْغَابَةِ فِي مَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ، ج ۳، ص ۵۶؛ ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۶؛ به نقل ابن‌سعد، سی‌مرد از اهل صُفّه پشت سر رسول خدا نماز می‌خواندند (همان، ص ۱۹۶)؛ صُفّه، سکوی مسجد پیغمبر بود که بینوایان صحابه در آن ساکن بودند.

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۴۷.

۴. ابن‌ضریس بجللی، فضائل القرآن، ص ۳۶-۳۷.

۵. البخاری، صحیح، ص ۹۱۰، ۹۱۵، حدیث ۵۰۳۵، ۵۰۳۶، ۵۰۵۲.

۶. همان، ۴۷-۴۸؛ منذری، مختصر صحیح مسلم، ص ۹۹۶-۹۹۸؛ البخاری، صحیح، ص ۲۷-۲۹،

۳۸؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۳۴۳-۳۴۵.

رسول خدا ﷺ آن‌چنان که لازم بود به آموزش اهل خانه خود می‌رسید.^۱ او توصیه می‌نمود هر کسی از همسایه‌اش فقه و قرآن بیاموزد.^۲ رسول خدا ﷺ در این باره به امت می‌فرمود:

اگر جز یک آیه به همراه ندارید، همان یک آیه را به دیگران برسانید و

تبلیغ کنید.^۳

برخی منابع به دارالقرآن که خانه‌ای از آن مخرمه بن نوفل در مدینه بود، اشاره کرده‌اند که برخی از افراد، مانند عبدالله بن أمّ مکتوم (د. ۱۴ق؟) در آن منزل می‌رفتند و به آموزش قرآن می‌پرداختند.^۴ اشاره به دارالقرآن بیان‌گر آن است که در جامعه اسلامی آن روز، قرآن دارای امتیاز بودند و از سایر مردم متفاوت دیده می‌شدند. هم‌چنین به نظر می‌رسد که مسلمانان آن دوره، مرکزی شبیه به مدرسه و یا مؤسسه‌ای را برای تعلیم قرائت بنیاد کردند. تصور می‌رود این نام‌گذاری پس از اشتهار إقراء و معلّمان قرائت در مدینه پدید آمد.^۵ اهتمام به حفظ و قرائت قرآن در روند دعوت پیامبر ﷺ بسیار مؤثر واقع شد. بسیاری از افراد، تحت تأثیر جاذبه آیات قرآن که به وسیله رسول خدا ﷺ و دیگر حاملان قرآنی قرائت می‌شد به اسلام گرویدند که نمونه‌هایی از آن‌ها در تاریخ آمده‌است. پیامبر ﷺ خود با قبایل عرب دیدار می‌کرد و آنان را به قرآن و اسلام دعوت می‌کرد.^۶ آشنایی مردم یثرب با دین اسلام از طریق تلاوت آیاتی بود که پیامبر خدا ﷺ بر تنی چند از آنان قرائت کرد^۷

۱. طه: ۱۳۲.

۲. کنّانی، نظام الحکومه النبویه، ج ۱، ص ۴۱.

۳. ابن کنیر، فضائل القرآن، ص ۱۷؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۲۲۷.

۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۴۷؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۳۴؛ خلیفه، تاریخ، ص ۴۹.

۵. الفضلی، القراءات القرآنیه، ص ۱۶.

۶. موسی بن عقبه، المغازی النبویه، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۸.

۷. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۹.

و با اقدامات بعدی از جمله، اعزام آموزش‌دهنده قرآن به میان آن‌ها^۱، زمینه گسترش اسلام را در مدینه فراهم نمود.

در واقع، پیامبر ﷺ کانونی برای تعلیم قرائت، حفظ و تمرین قرآن به‌وجود آورد که خود بر این کانون نظارت می‌کرد و افراد را به فراگیری قرآن تشویق می‌نمود. صحابه او نیز در این راه تلاش می‌کردند. در دوره‌ای آن حضرت، چهار نفر از یاران خود، اَبی بن کعب (د. ۲۱ق.)، عبدالله بن مسعود (د. ۳۲ق.)، سالم مولی اَبی حذیفه (د. ۱۲ق.) و مُعاذ بن جبل (د. ۱۸ق.)، را مأمور نمود که به دیگران قرآن بیاموزند^۲ و آن‌ها هم در این کار هم‌تیمی بلند و گامی استوار داشتند. البته آموزش به این چهارتن انحصار نداشته است و به تناسب و بر اساس مقتضیات، سایر یاران در این امر مشارکت می‌کردند.

به‌تعبیری دیگر، قاری قرآن در آن زمان، فرد روشن‌فکر معتقد متعهد به دین جدید بود که از طرف پیامبر ﷺ به دعوت مردم مأمور شده بود و حفظ و تعلیم کتاب و اصول دین با او بود. چنان‌که امامت و حکومت و در بعضی موارد قضاوت و فتوا هم با او بود. در زمان جنگ، پرچم‌دار لشکر اسلام بود و به هنگام صلح، معلم و قاضی. بعضی از قاریان در تمام غزوات رسول خدا ﷺ را در رکاب وی جنگیدند.^۳ این صحابه پس از آن‌که خود، قرآن را حفظ می‌کردند به نشر آن می‌پرداختند، قرآن را به فرزندان خود و دیگران و کسان دیگری که شاهد نزول قرآن نبودند در مکه و مدینه تعلیم می‌دادند.^۴

۱. همان، ص ۴۰.

۲. ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۶۸؛ البخاری، صحیح، ص ۹۰۵؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۲۴۵؛ مقدسی، المرشد الوجیز، ص ۵۱.

۳. رامیار، تاریخ قرآن، ص ۲۴۳.

۴. رک: سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۶۸؛ متقی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۶۴؛ الزنجانی، تاریخ القرآن، ص ۴۵-۴۶؛ الفضلی، القراءات القرآنیة، ص ۱۵-۱۶؛ کتانی، نظام الحکومة النبویة، ج ۱، ص ۴۰-۴۲؛ حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن، ص ۲۴۱.

از این رو در زمان رسول خدا ﷺ کسانی از حاملان قرآنی صحابه ایشان به آموزش قرآن مشهور شدند که نام آن‌ها در منابع به‌عنوان مُقری و استاد بیان شده است. افرادی مانند امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام (د. ۴۰ ق.)، عثمان بن عفان (د. ۳۵ ق.)، اُبی‌بن کعب، زیدبن ثابت (د. ۴۵ ق.)، عبدالله بن مسعود، ابوالدرداء (د. ۳۳ ق.) و ابوموسی اشعری (د. ۴۴ ق.)^۱ به‌عنوان مُقری و حافظان قرآن، هم‌زمان با حیات نبی اکرم ﷺ بیان شده‌اند.^۲ در برخی روایات از جمع و تدوین قرآن به وسیله تنی چند از حافظان قرآن در زمان پیامبر ﷺ یاد شده است که به مُدَوَّنان قرآن تعبیر می‌شوند.

از این رو، می‌توان گفت که کار جمع‌آوری صحائف قرآنی از همان عصر پیامبر ﷺ شروع شد و در زمان ایشان و بلافاصله پس از درگذشت آن حضرت، مصاحفی در دست بعضی از صحابه بود.^۳ صحابه و پس از آن‌ها تابعین و هر کس که می‌توانست، مجموعه‌ای از آیات الهی برای خود گرد می‌آورد.^۴ این مصحف‌های شخصی، علاوه بر این‌که برای انجام فرایض مذهبی لازم بود، برای تعلیم سایر مسلمانان، کودکان و نومسلمان‌ها ضرورت داشت و نشانه تشخیصی به شمار می‌رفت و مالکیت آن بر شخصیت مذهبی و ارزش اجتماعی دارنده آن می‌افزود.^۵

درباره نخستین مدوَّنان قرآن، روایت‌های متعددی صادر شده است.^۶ از جمله گردآورندگان قرآن در زمان پیامبر ﷺ از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، اُبی، مُعاذ، زید،

۱. سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲. ذهبی، *معرفة القراء*، ص ۱.

۳. رک: ابو عبید، *فضائل القرآن*، ص ۱۵۳-۱۵۵.

۴. درباره این مصاحف از اصحاب و تابعین، رک: السجستانی، *کتاب المصاحف*، ص ۱۶۶-۲۲۵.

۵. رامیار، *تاریخ قرآن*، ص ۳۳۳. نیز رک: معرفت، *تاریخ قرآن*، ص ۸۴-۱۱۲.

۶. رک: عسقلانی، *فضائل القرآن*، ص ۲۰ و بعد.

ابوالدرداء، عبید بن معاویه (ناشناخته)، عبادة بن صامت، ابوزید قیس بن السکن انصاری (د. ۱۵ق.)، ابویوب انصاری (د. ۵۲ق.)، سعد بن عبید (د. ۱۶ق.)، سعید بن عاص (د. ۵۹ق.) و مُجَمَّع بن جاریه (د. حدود ۵۰ق.)^۱ نام می‌برند که بیشتر از انصار بودند. هم‌چنین در برخی روایات، ابوبکر بن ابی‌قحافه (د. ۱۳ق.)، عمر بن خطاب (د. ۲۳ق.) و سالم مولی ابی‌حذیفه به عنوان نخستین جامع و مُدَوِّن قرآن یاد می‌شوند.^۲ بنابر بعضی گزارش‌ها، نخستین کسی که پس از درگذشت پیامبر ﷺ به این کار اقدام کرد، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام بود که پس از ماجرای سقیفه و انتخاب ابوبکر به خلافت به جمع و تدوین قرآن مشغول شد و بر این کار سوگند یاد کرد که آن را به پایان برساند.^۳

قُرَّاء و حُقَّاط اصحاب رسول خدا ﷺ بنابر نقلی که در *الاتقان* آمده است، تعداد زیادی و با آماری بیش از ۷۰ نفر بوده‌اند.^۴ برخی از این حافظان و قاریان را که وجوه قرائت از آنان نقل شده‌است، چنین نام می‌برند: از گروه مهاجران: خلفای چهارگانه (امام علی علیه السلام،

۱. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۲، ص ۳۵۵-۳۵۸؛ سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۹؛ ابن اثیر، *اسد الغابة*، ج ۳، ص ۵۶؛ مقدسی، *المرشد الوجیز*، ص ۵۱-۵۲؛ السجستانی، *کتاب المصاحف*، ص ۱۰۵؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۳۷۴؛ ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۲، ص ۵۳۷-۵۴۰؛ ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۰.

۲. السجستانی، *کتاب المصاحف*، ص ۴۸-۵۰؛ موسی بن عقبه، *المغازی النبویة*، ص ۴۳۷؛ سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۹. گفته‌اند ابوبکر نخستین کسی است که قرآن را جمع کرد و بین اللّوحن قرار داد.

۳. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۳۵؛ طبرسی، *الاحتجاج*، ص ۲۳۴؛ سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۲۰۹؛ ابن اعثم، *الفتوح*، ج ۱، ص ۱۳۵؛ السجستانی، *کتاب المصاحف*، ص ۵۹؛ ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۰؛ معرفت، *تاریخ قرآن*، ص ۸۵-۸۷.

۴. سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۵۲.

ابوبکر، عمر، عثمان، طلحة بن عبیدالله (د. ۳۶ق.)، سعد بن ابی وقاص (د. ۵۶ق.)، عبدالله بن مسعود، حذیفه بن یمان (د. ۳۶ق.)، سالم، ابوهریره (د. ۵۹ق.)، عبدالله بن سائب (د. ۶۸ق.)، عبدالله بن عباس (د. ۶۸ق.)، عبدالله بن عمر (د. ۷۳ق.)، عبدالله بن عمرو بن عاص (د. ۶۵ق.)، عبدالله بن زبیر (د. ۷۳ق.)، حضرت فاطمه رضی الله عنها (د. ۱۱ق.)، عایشه (د. ۵۸ق.)، حفصه (د. ۴۵ق.)، ام سلمه (د. ۵۹ق.) و از گروه انصار: عباد، معاذ، سعد بن عبید، مُجمَع، فضالة بن عبید (د. ۵۳ق.)، مَسَلَمَه بن مُخَلَّد (د. ۶۲ق.).

طبق برخی روایات، کسانی چون ابوموسی اشعری، زید بن ثابت، ابویوب انصاری، عمرو بن عاص، معاویه بن ابی سفیان (د. ۶۰ق.)، ابی، ابوالدرداء، ابوزید نیز در زمره حافظان و قاریان قرآن به شمار می‌آیند.^۱ تعدادی از این حاملان قرآنی از صحابه به دلیل آشنایی با احکام قرآن به‌عنوان فقهای جامعه اسلامی در ادوار تاریخ فقه (عصر صحابه) و یا به‌عنوان قاضی امت و کسانی که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد فتوا می‌دادند، معرفی می‌شوند.^۲ ابن سعد (د. ۲۳۰ق.)، غزالی (د. ۵۰۵ق.)، ابن جوزی (د. ۵۹۲ق.)، سیوطی (د. ۹۱۱ق.) و دیگران در آثار خود به اسامی آن‌ها اشاره می‌کنند.^۳ ابن حجر (د. ۸۵۲ق.) در این باره می‌نویسد:

اصحاب فتوا در زمان پیامبر شش نفر بودند: عمر، علی، ابن مسعود، ابی،

ابوموسی، زید بن ثابت.^۴

۱. همان، ص ۲۴۹؛ ابن الجزری، *النشر فی القراءات العشر*، ج ۱، ص ۶؛ مقدسی، *المرشد الوجیز*، ص ۵۴-۵۵؛ ابو عبید، *فضائل القرآن*، ص ۵۴-۵۵؛ ذهبی، *کتاب تذکرة الحفاظ*، ص ۹-۳۹؛ لزنجان، *تاریخ القرآن*، ص ۴۷؛ ابوسلیمان، *اضواء البیان فی تاریخ القرآن*، ص ۶۳.

۲. رک: ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۳، ص ۴۲۲.

۳. رک: ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۲، ص ۲۵۴-۲۶۷؛ کتانی، *نظام الحکومة النبویة*، ص ۴۴-۴۵.

۴. عسقلانی، *الاصابة فی تمییز الصحابه*، ج ۲، ص ۴۹۲؛ ذهبی، *کتاب تذکرة الحفاظ*، ص ۲۸.

همو می‌گوید که زید در مدینه در قضا، فتوا، قرائت و فرایض سرآمد و از راسخان در علم بود.^۱ هم‌چنین، ابن سعد از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، عمر، عثمان، عبدالرحمن بن عوف (د. ۳۲ق.)، معاذ، ابی و زید به عنوان مفتیان مدینه در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله نام می‌برد و می‌گوید که اینان در خلافت ابوبکر فتوا داده‌اند.^۲

به گزارش ابن خلدون (د. ۸۰۸ق.)، کلیه صحابه اهل نظر و فتوا نبودند و همه آن‌ها امکان نداشت تکالیف دینی را فرا گیرند. بلکه امر انما کان ذلک مختصاً بالحاملین للقرآن تنها به حافظان قرآن و کسانی اختصاص داشت که با ناسخ و منسوخ و متشابه و محکم و دیگر راهنمایی‌های قرآن آشنا بودند و این معلومات را یا به طور مستقیم از خود پیامبر صلی الله علیه و آله آموختند یا از بزرگانی که گفتار او را شنیده بودند، فرا گرفتند. به همین سبب این افراد را قرآء می‌نامیدند؛ یعنی آنان که قرآن را قرائت می‌کنند و این امر نزد عرب آن روز که ملتی اُمّی بود، شگفت شمرده می‌شد. پس از توسعه شهرهای اسلامی و رشد سواد، نام حافظان قرآن تغییر یافت و به جای قاری، آنان را فقیه یا عالم می‌خواندند.^۳

۱. عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۴۹۲؛ ذهبی، کتاب تذکره الحفاظ، ص ۲۷. پیامبر صلی الله علیه و آله: اعلمهم بالفرائض زید. (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۷۴)؛ افرضُ اُمّتی زید بن ثابت (همان) به نوشته ابن سعد، نه عمر و نه عثمان، کسی را در امر قضاء، فتوا، فرایض و قراءت بر زید مقدم نمی‌داشتند (همان).

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۶۷. کان معاذ بن جبل یفتی بالمدينة فی حیاة رسول الله صلی الله علیه و آله و ابی بکر (همان، ص ۲۶۵)؛ کان معاذ، کان یعلم الناس الخیر و کان مطیعاً لله و لرسوله (همان، ص ۲۶۶)؛ وی در جایی دیگر نوشته مفتیان عهد رسول الله صلی الله علیه و آله، ابوبکر، عمر، عثمان و علی بودند. (همان، ص ۲۵۵) نیز ر.ک: یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۸، ۱۶۱، ۱۷۷؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۴۲۲ و نام ابوبکر، سلمان فارسی و ابوذر غفاری را نیز آورده‌اند.

۳. مقدمه ابن خلدون، الجزء الثانی، ص ۱۸۵.

افرادی نیز به عنوان مفسر قرآن مشهور شدند که در ادوار تفسیر عصر صحابه پیامبر اکرم ﷺ از امام علی علیه السلام، ابن عباس، ابن مسعود، اُبی، زید، جابر بن عبدالله انصاری (د. ۷۴ق.) نام برده می‌شود.^۱ افزون بر حفظ قرآن، پیامبر ﷺ برای صیانت کتاب آسمانی دستور داد که برخی از اصحاب که سواد داشتند، قرآن را بنویسند. به این گروه که دست‌اندرکار نگارش قرآن بودند، کُتاب وحی می‌گفتند.^۲

کاتبان وحی، آیات قرآنی را بر روی شاخه‌های نخل (عُسب)، سنگ‌های ظریف و نازک (لِخاف)، چوب‌هایی که بر اشتران می‌نهادند (اَقتاب)، استخوان شانه شتر و گوسفند (اَکتاف)، پوست حیوانات یا برگ درخت و گیاه (رِقاَع)، حریر یا پارچه و کاغذ (قرطاس) می‌نوشتند.^۳ برخی از افرادی که کاتب پیامبر بودند نامه‌ها (مکاتیب رسول)، قراردادهای، پیمان‌نامه‌ها و صلح‌نامه‌ها را می‌نوشتند.

اسامی این کاتبان را که وحی، نامه‌ها و قراردادهای را می‌نوشتند تا چهل و پنج نفر هم نوشته‌اند که در میان آنان نام امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، ابوبکر، عمر، عثمان، زید بن ثابت، اُبی بن کعب، زبیر بن عوام (د. ۳۶ق.)، مصعب بن عمیر (د. ۳ق.)، حذیفه بن یمان، عبدالله بن جحش (د. ۳ق.)، محمد بن مسلمه (د. ۴۳ق.)، سعید بن عاص، عبدالله بن رواحه (د. ۸ق.)، طلحه، سعد بن ابی‌وقاص، عبدالله بن ارقم (د. ۴۴ق.)، خالد بن سعید بن

۱. جلالیان، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ص ۴۷-۵۹.

۲. ابو عبید، فضائل القرآن، ص ۱۵۸؛ السجستانی، کتاب المصاحف، ص ۳۷-۴۰؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۱، ۳۳۲؛ مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۴۰؛ معرفت، تاریخ قرآن، ص ۲۷-۳۰.

۳. رک: ابو عبید، فضائل القرآن، ص ۱۵۳، ۱۵۴؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۲۱۱؛ عسقلانی، فضائل القرآن، ص ۳۲؛ مقدسی، المرشد الوجیز، ص ۵۶؛ ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۲-۲۳؛ السجستانی، کتاب المصاحف، ص ۵۳-۵۶؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۲۷، ۳۳۰.

عاص (د. ۱۴ق.)، عمرو بن عاص، عبدالله بن سعد بن ابی سرح (د. ۳۷ق.)، مغیره بن شعبه (د. ۵۰ق.)، معاذ بن جبل، حنظله بن ربیع (د. ۴۵ق.)، معاویه، جهیم بن صلت (د. ؟)، حصین نمیری (د. ؟)، شرحبیل بن حسنه (د. ۱۸ق.) و دیگران بیان شده‌اند.^۱

بیان این اسامی به عنوان حافظ، قاری و کاتب قرآن بر اساس گزارش‌های متون تاریخی، رجالی و قرآنی است که نویسندگان آنها بیشتر اهل سنت هستند و درباره کسانی از آنان جای تأمل وجود دارد و با دیدگاه شیعی هماهنگ نیست. برخی از اینان، مانند معاویه در سال هشتم هجری و پس از فتح مکه اسلام آوردند و اگر هم کتابت وحی کرده باشند مدت کوتاهی بوده است، اما نامشان در فهرست کاتبان آمده است. این اسامی اگر جعل تاریخی نباشند، بدون لحاظ کردن مدت کتابت و تقدّم و تأخّر حضور افراد در عرصه کتابت بوده است و دقیق مشخص نساخته‌اند که این قبیل افراد آیا کاتب وحی بوده‌اند؟ یا کاتب نامه‌ها و قراردادهای بوده‌اند؟

در روند جامعه اسلامی، افزون بر صحابه‌ای که به آموزش قرآن مشهور شدند و از آنان یاد شد، جماعتی از تابعین در مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام از این صحابه قرآن فرا گرفتند و به آموزش قرآن پرداختند و مشهور شدند^۲ تا جایی که بعدها عدّه‌ای خود را فقط وقف این کار کردند و بیش‌ترین اهتمام را به این امر اختصاص دادند و پیشوا و رهبر در امر قرائت و آموزش قرآن شدند. در نتیجه دیگران به آنها اقتدا می‌کردند و به‌سوی آنها سفر می‌کردند. اسامی این افراد در منابع به تفکیک شهرها آمده است.^۳

۱. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۸۰؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۲۱؛ ابن-

عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص ۶۸؛ الزنجانی، تاریخ القرآن، ص ۴۸.

۲. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۲۵۱.

۳. همان، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ ابن الجزری، النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۸-۹؛ قیسی، الابانه

فی معانی القراءات، ص ۴۷-۴۸.

۴. نقش ترویجی جامعه قرآنی در عصر نبوت

همان‌گونه که اشاره شد، حاملان قرآن همان چهره‌های شاخص مؤثر در دوران نبوت به‌عنوان بازوان و نیروهای عمل‌کننده در کنار رسول خدا ﷺ در تحقق اهداف وی به ایفای نقش می‌پرداختند. در واقع، گروه مقاومت اولیه نهضت بیداری اسلامی پیامبر گرامی ﷺ را تشکیل می‌دادند که نقشی چند وجهی برعهده داشتند. آنان هم مُبَلِّغ و مُرَوِّج دینی و فرهنگی بودند، هم مجاهد و رزمنده عرصه جهاد با دشمن، هم معلّم و مربّی و هم کارگزار و مأمور انجام مسئولیت‌های سیاسی و حکومتی. فعالیت‌های این گروه را می‌توان در دو دوره مکه و مدینه بررسی کرد.

۴-۱. دوران مکه

در این دوران به مواردی می‌توان اشاره کرد که حاملان قرآن در نشر نوای توحید در جامعه جاهلی و پیش‌برد اهداف پیامبر اسلام ﷺ تلاش نموده‌اند. برای نمونه، وقتی مخالفت‌ها و کارشکنی‌های قریش مکه در راه دعوت نبوی بالا گرفت، حاملان قرآنی در گفت‌وگویی پیشنهاد کردند که یکی از آنان، صدای قرآن را در مسجدالحرام به گوش قریش برساند. عبدالله بن مسعود داوطلب این کار شد و در کنار کعبه، هنگامی که سران قریش، مجلسی برگزار کرده بودند با صدای رسا آیات اولیه سوره الرَّحْمَن را خواند که در جمع آنان ولوله‌ای ایجاد کرد. سران مشرک برای جلوگیری از این پیام آسمانی، بر سر ابن مسعود ریختند و به قدری او را زدند که خون از سراسر بدن او جاری شد، اما ابن مسعود خوشحال بود که ندای قرآن را به گوش مشرکان رسانده است.^۱

نمونه دیگری از خدمات حاملان قرآن در زمان رسول خدا ﷺ تلاش جعفر بن ابی‌طالب (د. ۸ ق.) برای نجات جان مهاجران به حبشه بود. با همه ترفندها و تلاش‌هایی

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۳۳۷؛ طبری، تاریخ الطبری و هو تاریخ الرسل و الملوک،

ج ۲، ص ۲۳۶؛ ابن اثیر، اسد الغایة، ج ۳، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۹۷.

که فرستادگان قریش به کار بردند تا با کمک کارگزاران نجاشی، او را وادار کنند که مهاجران را از حبشه بیرون کند و به عربستان بازگرداند، اما جعفر در دو نوبت که جلسه‌ای برگزار شد با انتخاب و قرائت آیاتی از قرآن در وصف حضرت مریم علیها السلام و حضرت عیسی علیه السلام توانست نقشه آن‌ها را خنثی کند و نجاشی را نه تنها از اخراج مهاجران منصرف نماید، بلکه حمایت او را برای ماندن در حبشه به مدتی طولانی به دست آورد. در نتیجه، فرستادگان قریش سرافکنده و دست خالی برگشتند و سیاست توطئه و تطمیع آن‌ها در حبشه شکست خورد.^۱

این درایت و بصیرت یکی از حاملان قرآن سبب شد که جمعی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به مثابه یک نیروی ذخیره برای آینده اسلام از گزند مشرکان در آن سرزمین حفظ شوند و برخی از اینان پس از بازگشت، خدمات ارزنده‌ای در راه اسلام انجام دادند. به عنوان نمونه، جعفر علیه السلام در سال هشتم هجری به عنوان یکی از فرماندهان سپاه اسلام برای نبرد با رومیان به منطقه موته اعزام شد و در همین جنگ به شهادت رسید.^۲ گفتنی است که تعدادی از مهاجران به حبشه در زمره قُرَاء و حُفَاط قرآن بودند و نامشان در میان حافظان و قاریان در منابع آمده است.^۳

نقش حاملان قرآن در فراهم‌سازی زمینه نشر و گسترش اسلام در یثرب، به اسلام درآوردن تعداد زیادی از مردم اوس و خزرج و در نتیجه ایجاد یک پایگاه مناسب برای

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۳۶؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹-۳۰؛ قاضی ابرقوه،

سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۲۲.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۶۰-۱۶۲؛ واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۷۵۵-۷۶۹؛ یعقوبی،

تاریخ یعقوبی، ص ۶۵؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ، ص ۴۰-۴۱؛ مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۴،

ص ۲۳۰-۲۳۱، ج ۵، ص ۹۹.

۳. برای اسامی، ر.ک: طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۳۵.

هجرت پیامبر ﷺ و انتقال دعوت او از مکه به مدینه النبی آشکار است. شخص پیامبر ﷺ در آغاز برای سوید بن صامت از قبیله اوس، قرآن تلاوت کرد و او را به خدا دعوت نمود، اما وی پس از بازگشت به مدینه به دست خزرجیان کشته شد. سپس بر تعداد دیگری از مدنی‌ها مانند پسران عفراء، قرآن را تلاوت کرد. آنان اسلام آوردند و رسول خدا ﷺ از آنان بر ایمان به خدا و رسولش پیمان گرفت. این افراد بازگشتند و جریان را به قوم خود بازگفتند. آنان پیش از رفتن، از رسول خدا ﷺ خواستند که مردی را از طرف خود برای دعوت مردم به کتاب خدا با آن‌ها بفرستد.^۱

یکی از کسانی که در ابتدا برای تعلیم قرآن، اسلام و فقه به مردم مدینه وارد این شهر شد مُصعب بن عُمیر بود که از سوی رسول خدا ﷺ به این مأموریت اعزام شد. مصعب با آموزش قرآن در میان اوس و خزرج در یثرب و آشنا کردن مردم با احکام اسلام موفق شد که تعداد بسیاری از آنان را به دین اسلام درآورد.^۲ مصعب را مقرئ المدینه می‌نامیدند.^۳ در نتیجه این فعالیت‌ها در سال سیزدهم بعثت بیش از هفتاد نفر از مردم یثرب در مراسم حج به مکه آمدند و با رسول خدا ﷺ پیمان بستند که به پیمان عقبه دوم مشهور است.^۴

-
۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۷-۳۸؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۶؛ ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۳، ص ۱۴۷؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۹.
 ۲. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۳۹-۴۷؛ موسی بن عقبه، المغازی النبوية، ص ۲۰۰-۲۰۲؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۸؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸؛ قاضی ابرقوه، سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۴۳۲-۴۳۷؛ ابن کثیر، فضائل القرآن، ص ۱۴۹-۱۵۱؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۸۷؛ مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۱۶۵-۱۶۷، ج ۵، ص ۹۶-۹۷.
 ۳. ابن الجزری، غایة النهاية فی طبقات القراء، ج ۲، ص ۲۹۹؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۴۷؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۸۷.
 ۴. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۱؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۸۷؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸؛ موسی بن عقبه، المغازی النبوية، ص ۲۰۲-۲۰۴.

مصعب پس از هجرت به مدینه، هم‌چنان در کنار پیامبر ﷺ حضور فعال داشت و سرانجام در جنگ احد که پرچم‌دار بود به شهادت رسید.^۱ پس از شهادت مصعب، رسول خدا ﷺ پرچم را که به دست وی بود به امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام داد و در بیشتر جنگ‌ها آن حضرت پرچم‌دار بود.^۲ افزون بر مصعب، ابن اُمّ مکتوم نیز به مدینه آمد و در دارالقرآن منزل کرد و برای مردم قرآن می‌خواند. او در کنار بلال بن رباح حبشی (د. ۲۰ ق؟) مؤذن هم بود.^۳

زبیر بن بکار (د. ۲۵۶ ق.) در *اخبار المدینه* آورده است که پیامبر ﷺ در ملاقات با رافع بن مالک انصاری (شهادت ۳ ق.) در عقبه، آنچه از آیات قرآن که در ده سال بر ایشان نازل شده بود به رافع بخشید و او آن را به مدینه آورد و بر قوم خود خواند و رسول خدا ﷺ از اعتدال قلب رافع به شگفت آمد. گویند که او نخستین کسی است که سوره یوسف را به مدینه آورد.^۴

پس از زمینه‌سازی برای ایجاد پایگاه جدید دعوت، در عملی شدن هجرت رسول خدا ﷺ به یثرب هم، نقش یکی از حاملان قرآنی بسیار برجسته است. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام که خود یکی از حافظان و مقرئان قرآن بود در لیلۃ المبیت با بینش و بصیرت کامل در بستر پیامبر خدا ﷺ خوابید^۵ و با این اقدام شجاعانه، نقشه مشرکان برای

۱. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۶۵، ۶۹؛ ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۸۸-۸۹؛ خلیفه، *تاریخ*، ص ۲۷.

۲. طبری، *تاریخ الطبری*، ص ۶۹؛ ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۳، ص ۱۰۹۷.

۳. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۱، ص ۳۴۷؛ ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۲۳۴؛ خلیفه، *تاریخ*، ص ۴۹.

۴. به نقل از: کتانی، *نظام الحکومت النبویة*، ج ۱، ص ۳۹.

۵. رک: طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۲، ص ۲۵۵؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۳۹؛ موسی‌بن

عقبه، *المغازی النبویة*، ص ۲۱۰؛ مقدسی، *البدء و التاریخ*، ج ۴، ص ۱۷۰.

قتل رسول الله ﷺ را که در دارالندوه طراحی شده بود، خنثی شد و آن حضرت با سلامت به یثرب هجرت کردند.

هم‌چنین امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) از طرف پیامبر خدا ﷺ مأموریت ردّ امانات مردم^۱ و بردن زنان هاشمی، مانند حضرت فاطمه (ع) دختر گرامی پیامبر ﷺ را به مدینه برعهده گرفت که به خوبی از عهده انجام آن‌ها برآمد.^۲ این مأموریت‌ها و مسئولیت‌ها با هدف تحقق جامعه اسلامی و متلاشی شدن جامعه جاهلی انجام می‌شد. اگر امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در گروه حاملان قرآن قرار نداشت، این مسئولیت‌های مهم و این همه خطرات را نمی‌پذیرفت. مشرکان در تعقیب او بودند اما آن حضرت در پی به سامان رسیدن جامعه قرآنی، این مشقّتات را تحمل می‌کرد.

۲-۴. دوران مدینه

پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، بسیاری از قاریان و حافظان قرآن کریم در غزوات و سرایای این دوره حضور داشتند. این حاملان قرآنی با مجاهدت‌ها و جان‌فشانی‌های خود، دشمنان مختلف از قریش، یهودیان و سایر قبایل مشرک را به شکست واداشتند و در پرتو مساعی آنان، اسلام توانست بر جزیره‌العرب حکم‌فرما شود. در حادثه بئر معونه که در صفر سال چهارم هجرت رخ داد، تعداد هفتاد نفر از صحابه رسول خدا ﷺ که به آن‌ها قُرّاء می‌گفتند و برای دعوت مردم نجد می‌رفتند با خیانت قبایل مشرک کشته شدند که حادثه‌ای بسیار غم‌انگیز برای پیامبر خدا ﷺ بود.^۳

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۵۷؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۹؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۴، ص ۱۷۹.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۶۰؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱.

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۴۶-۳۵۴؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۸۵-۸۸؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۲؛ خلیفه، تاریخ، ص ۳۳؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۴، ص ۲۱۱-۲۱۲.

در همین سال در حادثه رجیع، پیامبر ﷺ شش تن از یاران خود را برای آموزش علم، شریعت و خواندن قرآن به همراه گروهی از مردم غَضَل و قاره فرستاد، اما آنان در نقطه‌ای به نام رجیع خیانت کردند و چهار تن از قاریان را کشتند و دو تن دیگر را به مکیان فروختند که به انتقام خون کشتگان خود، آنان را بکشند.^۱ این دو واقعه نشان از نقش مهم حاملان قرآن در راه آرمان‌ها و اهداف اسلام دارد که چگونه از جان خویش می‌گذشتند تا آیین اسلام پایدار بماند.

در این دوره، رسول خدا ﷺ هرگاه از مدینه بیرون می‌رفت، کسی را به جانشینی خود در نماز و به امارت شهر می‌گمارد و هم‌چنین کسانی را برای تعلیم قرآن و بیان احکام، دستور به ماندن در شهر می‌داد که به طور معمول، همگی از جامعه قرآنی بودند. رسول خدا ﷺ هنگام ترک مدینه به سوی یهود بنی‌قریظه در سال پنجم هجرت، ابن ام‌مکتوم را در مدینه جانشین نمود.^۲ پیش از آن، برای یادآوری پیمان صلحی که با هم داشتند، سعد بن معاذ (د. ۵۰ق.)، عبدالله بن رواحه و خوات بن جبیر (د. ۴۰ق.) را پیش آن‌ها فرستاد.^۳

رسول خدا ﷺ در سال هفتم هجری برای حرکت به سوی خیبر، سیب‌بن عرْفُطَه (د. ؟) از قبیله غفار و به نقلی ابوذر غفاری (د. ۳۲ق.) را جانشین خود در مدینه قرار داد.^۴

۱. ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۸۳؛ واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۵۴-۳۶۳؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۰؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۸۱-۸۳؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۴، ص ۲۰۹-۲۱۱.

۲. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۹۶؛ پیامبر ﷺ چندان به ابن‌ام‌مکتوم اعتماد داشت که ۱۳ بار از جمله در غزوات مختلف، او را به جای خود در مدینه برگمارد (خلیفه، تاریخ، ج ۱، ص ۴۸؛ واقدی، المغازی، صفحات مختلف).

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۲.

۴. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۳۶، ۶۳۷.

آن حضرت در رمضان سال هشتم هجری به قصد فتح مکه، ابولبابه بن عبدالمنذر (د.؟) را به عنوان جانشین در مدینه گذاشت^۱ و پس از فتح مکه در همان سال، معاذ بن جبل را برای آموزش قرآن و یاد دادن مبادی اسلام (يُفَقِّهْ اهل مکه وَيُقَرِّئْهُمْ الْقُرْآنَ) در آنجا گمارد.^۲ در رجب سال نهم که برای غزوه تبوک بیرون رفت، امیرالمؤمنین حضرت علی عليه السلام را در مدینه جانشین گذاشت.^۳ در همین سال، ابوبکر را سالار حج کرد و سپس امیرالمؤمنین حضرت علی عليه السلام را مأمور کرد، سوره براءت را بر مشرکان قرائت کند.^۴ هم‌چنین، هر کس از مکه به مدینه مهاجرت می‌کرد، رسول خدا ﷺ او را برای فرا گرفتن قرآن به یکی از قُرَّاء و حُفَّاظ قرآن می‌سپرد.^۵ وقتی فروة بن مُسَيِّك مرادی (د. ۳۰ق.) که از دستگاه پادشاهان کناره کشیده و پیرو رسول خدا ﷺ شده بود در سال نهم هجرت به مدینه آمد و به حضور پیامبر ﷺ رسید. او در خانه سعد بن عبَّاده (د. ۱۵ق.) منزل کرد و به آموختن قرآن، احکام و شرایع اسلامی همّت گمارد. پیامبر ﷺ عطایایی به وی بخشید و او را بر قبایل مراد، زُبَید و مَذْحِج گماشت.^۶

۱. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۵۸.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۹۳؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۶۵.

۳. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۶۷. طبری از قول ابن اسحاق نقل می‌کند که پیامبر، علی را به سرپرستی خانواده خود در مدینه به جای گذاشت و سباع بن عُرفُطه غفاری را در مدینه جانشین خویش کرد. این سخن جای نقد دارد (طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۹۷؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۴، ص ۲۳۹؛ هر دو به حدیث منزلت درباره امام علی عليه السلام اشاره کرده‌اند).

۴. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۰۸ - ۲۰۹؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۱۴؛ یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۷۶؛ واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۱۰۷۷ - ۱۰۷۸؛ موسی بن عقبه، المغازی النبویة، ص ۳۹۰؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۴، ص ۲۴۰ - ۲۴۱.

۵. الزنجانی، تاریخ القرآن، ص ۴۶؛ الفضلی، القراءات القرآنیة، ص ۱۶.

۶. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۷؛ عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۲۰۵.

رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را به سبب آشنایی و تسلط بر قرآن برای قضاوت به یمن فرستاد و در حقیقت دعا کرد.^۱ در روایتی، پیامبر ﷺ در سال دهم هجرت، خالد بن ولید (د. ۲۱ق.۰) را سوی مردم یمن فرستاد که ایشان را به اسلام دعوت کند، اما پس از شش ماه توقف در آنجا، کسی دعوت وی را نپذیرفت تا این که پیامبر خدا ﷺ، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را فرستاد و خالد را برگرداند. با اقدامات امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام همه مردم قبیله همدان در یک روز مسلمان شدند و پس از آن مردم یمن به اسلام روی آوردند و آن حضرت مشغول آموزش قرآن به آنها گردید.^۲

همچنین، پیامبر ﷺ چون به بزرگان قبایل برای دعوت آنان به اسلام نامه نوشت، معاذ بن جبل را برای بردن نامه به سوی مردم یمن فرستاد.^۳ ملوک حمیر در سال نهم هجری، اسلام خویش را به وسیله فرستادگانی به رسول خدا ﷺ گزارش دادند و ایشان معاذ بن جبل را برای دریافت جزیه، صدقه و زکات به سوی آنان فرستاد.^۴ معاذ را یک بار دیگر در سال نهم هجری برای قضاوت به یمن فرستاده شده بود^۵ که اصل اجتهاد و اخذ

۱. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۱۵؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۰۰؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۵۷؛ درباره حضرت علی علیه السلام گفته شده است: افضی اهل المدینه ابن ابی طالب و عمر درباره اش گفته است: علی افضانا للقضاء (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۵۸، ۲۵۹) نقل شده است که امام علی علیه السلام فرمود: سلونی عن کتاب الله فانه لیس من الآیه الا وقد عرفت بلیل نزلت أم بنهار، فی سهل أم فی جبل (همان، ص ۲۵۷).

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۱۳؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۲۰؛ واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۱۰۷۹-۱۰۸۲؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳. همان، ص ۸۱؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۶۴.

۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۹، ۸۰؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۰۸.

۵. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۶؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۴۳۸؛ به نقل خلیفه بن خیاط، رسول خدا ﷺ «و استخلف... معاذ بن جبل علی الجند و القضاء و تعلیم الناس الاسلام و شرائعه و قراءة القرآن» (تاریخ، ص ۴۸).

فتوا مبتنی بر حدیثی است که از این مأموریت او به جای مانده است.^۱ معاذ بن جبل همراه با ابوموسی اشعری در آخر عمر حضرت رسول ﷺ هم‌چنان در یمن بودند و به مردم فقه می‌آموختند.^۲

پیامبر ﷺ پیش از فتح مکه، علاء بن حضرمی (د. ۲۱ق.) را به رسالت سوی منذر بن ساوی عبدی فرستاد. او اسلام آورد و مسلمانی پاک اعتقاد شد و علاء به نزد وی از جانب پیامبر ﷺ امارت بحرین داشت.^۳ وقتی نمایندگان مردم یمن در سال نهم هجرت به مدینه آمدند، ابوعبیده بن جراح (د. ۱۸ق.) را برای تعلیم اسلام و سنت همراه آنها فرستاد.^۴ اُسَید بن حُضَیر (د. حدود ۲۰ق.) و خالد بن سعید بن عاص (د. ۱۴ق.) از سوی پیامبر ﷺ، چندین بار در جهت تأمین معیشت زندگی و تعلیم به بردگانی که در جنگ‌ها اسیر و مسلمان می‌شدند، مأمور شدند.^۵

خالد بن سعید را در سال نهم هجرت، همراه وفد مراد که از یمن به مدینه آمده بودند به‌عنوان کارگزار صدقات روانه نمود و برایش فرمانی صادر کرد که شامل احکام مربوط به زکات بود. وی تا هنگام رحلت رسول خدا ﷺ کارگزار صدقات بود.^۶ هم‌چنین، گروهی از

۱. درباره برخی روایت‌های پیامبر ﷺ در منزلت معاذ، رک: ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۲، ص ۲۶۴ - ۲۶۵، ج ۳، ص ۴۳۹۴۳۸؛ ابن‌اثیر، *اسد الغابه*، ج ۴، ص ۴۱۸ - ۴۲۰؛ شیبانی، *مسند احمد بن حنبل*، ج ۳۶، ص ۳۳۳؛ دارمی، *سنن الدارمی*، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲. یعقوبی *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۲۱۶؛ ابن‌اثیر، *اسد الغابه*، ج ۴، ص ۴۴۵؛ خلیفه، *تاریخ*، ص ۴۸؛ مقدسی، *البدء و التاریخ*، ج ۴، ص ۲۲۹، ج ۵، ص ۱۰۲.

۴. ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۳۱۴.

۵. کنانی، *نظام الحکومة النبویة*، ج ۱، ص ۳۹.

۶. ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۲۴۷، ج ۴، ص ۹۶؛ عسقلانی، *الاصابة*، ج ۱، ص ۴۰۷، ج ۴، ص ۲۰۵.

بنی تمیم نزد پیامبر ﷺ آمدند و آن حضرت، عباد بن بشر (د. ۱۲۰ق.) را همراه آنها فرستاد تا شرایع اسلام و قرائت قرآن را به ایشان بیاموزد و زکات اموال ایشان را دریافت دارد.^۱ پس از این که فرستادگان طایفه بنی الحارث بن کعب که در نجران بودند، پیش پیامبر اسلام ﷺ آمدند آن حضرت، عمرو بن خزم انصاری (د. ۵۱ق.) را با نامه‌ای سوی آنها به نجران فرستاد که قرآن، فقه دین، سنت پیامبر خدا ﷺ و آداب مسلمانی به آنها تعلیم دهد و زکات بگیرد.^۲ پیامبر ﷺ در این نامه مفصل، تکالیف قاریان قرآن را روشن کرده است. این تکالیف، بشارت مردم به خیر، امر به نیکی، تعلیم قرآن، بیان احکام شرع، بشارت به بهشت و انذار از آتش بیان شده است.^۳ هم‌چنین، پس از محاصره طائف، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را برای شکستن بت‌ها فرستاد و آن حضرت، آنها را درهم شکست.^۴ بدین ترتیب، برخی از مأموریت‌های مهم مانند شکستن بت‌ها، امر قضاوت و داوری بین مردم، تبلیغ دین و نشر قرآن میان مردم، مذاکره و انعقاد پیمان برعهده کسانی بود که به‌طور مشخص به جامعه قرآنی وابستگی داشتند.

در مجموع، حاملان قرآن به عنوان یکی از عوامل مهم در تحولات سیاسی و نظامی صدر اسلام ظاهر شدند و با دفاع از جان پیامبر ﷺ، سرکوب مخالفان، نشر اندیشه دینی

۱. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۲، ص ۱۲۲؛ «یاخذ صدقات اموالهم و يعلمهم شرائع الاسلام و یقرئهم القرآن.» درباره مأموریت‌های عباد بن بشر از سوی پیامبر ﷺ، ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۲۱ و ج ۳، ص ۳۳۶.

۲. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۲۱۰-۲۱۱؛ قاضی ابرقوه، *سیرت رسول الله*، ج ۲، ص ۱۰۵۱.

۳. ر.ک: ابن هشام، *السیرة النبویه*، ج ۴، ص ۲۴۱-۲۴۳.

۴. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۶۴؛ واقدی، *المغازی*، ج ۳، ص ۷۴۹-۷۵۳.

۵. نمونه‌ها در جنگ احد و حنین، ر.ک: یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۷-۴۸، ۶۲-۶۳؛

واقدی، *المغازی*، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۸۰، ج ۳، ص ۸۸۵-۹۲۲.

در جامعه، تثبیت نظام سیاسی اسلام به ایفای نقش پرداختند و پیروزی‌های مهمی در بدر، احد، احزاب، خیبر، فتح مکه، حنین و غیره با محوریت آنان رقم خورد. تدبیرهای سرنوشت‌سازی از سوی آنان در برابر مشرکان به کار بسته شد که حفر خندق به پیشنهاد سلمان فارسی^۱ از حاملان برجسته قرآن، کشته‌شدن عمرو بن عبدود (د. ق. ۵۰) جنگ‌جوی معروف عرب و مرحب یهودی (د. ق. ۷۰) محافظ قلعه قموص خیبر به دست امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام^۲ داوری سعد بن معاذ در قضیه یهودیان بنی‌قریظه،^۳ مأموریت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و زبیر برای کشف نامه محرمانه حاطب بن ابی‌بلتعہ (د. ق. ۳۰) درباره تصمیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فتح مکه از کنیز قاصد،^۴ به‌کارگیری منجنیق به پیشنهاد سلمان فارسی (د. ق. ۳۶؟) در محاصره طائف،^۵ خنثی شدن نقشه ترور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تدبیر حذیفه بن یمان که از جانب اصحاب عقبه (منافقان) در مسیر بازگشت از غزوه تبوک طراحی شده بود^۶ از این نمونه‌ها است.

البته، برخی از حاملان قرآن، ضعف‌ها و لغزش‌هایی داشتند که به دلیل ابهت و عظمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و رهبری‌های خردمندانه او، این‌گونه خطاها و کژی‌ها در روند تحولات اسلام اختلالی ایجاد نکرد، اما پس از درگذشت وی، حوادث به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد.

-
۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰؛ واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۵؛ مقدسی، البداء والتاریخ، ج ۴، ص ۲۱۷.
 ۲. همان، ج ۲، ص ۵۰، ۵۶؛ همان، ج ۲، ص ۴۷۱، ۴۹۶، ۶۵۴-۶۵۸؛ همان، ج ۴، ص ۲۱۸، ۲۲۶-۲۲۷.
 ۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۲؛ واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۱۶-۵۱۰؛ مقدسی، البداء والتاریخ، ج ۴، ص ۲۲۰.
 ۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۸؛ واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۷۹۷-۷۹۸.
 ۵. واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۹۲۷.
 ۶. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۸؛ واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۱۰۴۲-۱۰۴۳.

۵. نتیجه

از آن چه در این مقاله آمد می‌توان نتیجه گرفت که جامعه قرآنی زمان رسول خدا ﷺ با درایت و مدیریت مناسب ایشان به‌منزله یک فرصت ارزش‌مند در خدمت اهداف والای پیامبر ﷺ و تحقق حاکمیت الهی و گسترش دین اسلام به‌کار گرفته شد. حاملان قرآنی در حیات رسول خدا ﷺ در مسیر اهداف دینی ایشان و برای اعتلای کلمه توحید، محو نظام جاهلی و برقراری نظام اسلامی تمام توان خویش را به‌کار بستند و بدون حضور آنان، این مهم به‌آسانی تحقق نمی‌یافت.

آنان در تشکیلات قرآنی نبوی با حفظ، قرائت، تبلیغ و تعلیم آیات قرآن در راستای هدف رسالت پیامبر ﷺ خدمت می‌کردند. ترویج مبانی دینی و معرفت قرآنی در جامعه و تثبیت و نهادینه‌سازی آیین اسلام، نیازمند فعالیت مؤثر شبکه‌ای از نیروهای شاخص و آگاه به قرآن بود که به شیوه‌های گوناگون زیر نظر رهبر اصلی که شخص رسول خدا ﷺ بود در تحقق آن بکوشند. این شبکه فراگیر و مؤثر را پیامبر ﷺ با تدبیر و درایت لازم بنیان نهاد و از ثمره تلاش آن بهره‌مند شد.

بی‌گمان، تثبیت رسالتی بزرگ در جامعه جاهلی و شرک‌آلود، هرچند که از پشتوانه تأییدی الهی برخوردار بود، بدون برخوردار بودن از تشکیلاتی نظام‌مند و مؤثر در پیکره اجتماع نهادینه نمی‌شد. پیامبر ﷺ این نیروی حامی و مؤثر را در قالب جامعه قرآنی تشکیل داد. مدیریت رسول خدا ﷺ بر این جامعه قرآنی و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از توان آن‌ها موجب کارآمدی و اثربخشی این نیرو در جامعه آن روز شد، اما ماجرای سقیفه به مدلی از حکومت مسلمانان منجر شد که در فقدان مرجعیت علمی همتای رسول خدا ﷺ، دامنه انحرافات سیاسی، اعتقادی، اقتصادی، حقوقی و اخلاقی در جامعه گسترده شد.

در این دوره، جامعه قرآنی هم‌بستگی درونی عصر نبوت را از دست داد و حاملان قرآن در جریان‌های متنوع با دیدگاه‌های متباین و گاه روبه‌روی هم، از جایگاه و موقعیت برخوردار از امتیاز صحابی رسول خدا ﷺ بودن و سوابق فعالیت در عصر نبوت بهره می‌جستند و بر روند حوادث تأثیر می‌گذاشتند.

منابع

۱. القرآن الكريم، طهران: اسوه، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن اثير، عزالدين ابوالحسن على بن محمد الجزري، *أسد الغابة في معرفة الصحابة*، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن الجزري، ابوالخير محمد بن محمد، *النشر في القراءات العشر*، تجديد نظر على محمد ضباع، قاهره: مطبعة مصطفى محمد، بی تا.
۴. ابن الجزري، محمد بن محمد، *غاية النهاية في طبقات القراء*، قاهره: مطبعة مكتبة الخانجي، ۱۳۵۱ق.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن خلدون*، محقق عبدالله محمد الدرويش، دمشق: دار يعرب، ۱۴۲۵ق.
۶. ابن سعد، *الطبقات الكبرى*، تقديم احسان عباس، بيروت: دار صادر، ۱۴۱۸ق.
۷. ابن سعد، *الطبقات الكبرى*، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۰ق.
۸. ابن ضريس بجلى، محمد بن ايوب، *فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمكه و ما انزل بمدينة، دمشق: دارالفكر، ۱۴۰۸ق.*
۹. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله، *الاستيعاب في معرفة الاصحاب*، تحقيق على محمد البجاوي، بيروت: دارالجيل، ۱۴۱۲ق.
۱۰. ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر دمشقي، *البداية و النهاية*، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۷ق.
۱۱. ابن كثير، القرشي دمشقي، *فضائل القرآن*، بيروت: دار احياء الكتب العربية، بی تا.
۱۲. ابن نديم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، تحقيق رضا تجدد، تهران: اساطير، ۱۳۸۱.

۱۳. ابن هشام، *السيرة النبوية*، تحقيق مصطفى السقا، ابراهيم الابيارى و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: المكتبة العلمية، بى تا.
۱۴. ابوسليمان، صابر حسن محمد، *اضواء البيان فى تاريخ القرآن*، الرياض: دار عالم الكتب، ۱۴۲۰ق.
۱۵. ابو عبید، قاسم بن سلام، *فضائل القرآن*، تحقيق وهبى سليمان غاوجى، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۶ق.
۱۶. البخارى، محمد بن اسماعيل، *صحيح البخارى*، اعتنى به عزالدين ضلّى، عمادالطيار و ياسر حسن، بيروت: مؤسسة الرسالة ناشرون، ۱۴۳۱ق.
۱۷. ترمذى، ابى عيسى محمد بن عيسى، *سنن الترمذى*، تخريج و ترقيم و ضبط صدقى جميل العطار، بيروت: دارالفكر، ۱۴۲۸-۱۴۲۹ق.
۱۸. جلاليان، حبيب‌الله، *تاريخ تفسير قرآن كريم*، تصحيح محمدرضا آشتياني، تهران: اسوه، ۱۳۷۸.
۱۹. حجتى، محمدباقر، *پژوهشى در تاريخ قرآن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ۱۳۷۳.
۲۰. حرعاملى، محمد بن الحسن، *تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشرعية*، بيروت: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۳ق.
۲۱. خليفه بن خياط ملقب به شباب، *تاريخ*، محقق مصطفى نجيب فواز، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۲۲. خويى، ابوالقاسم، *البيان فى تفسير القرآن*، نجف اشرف: مطبعة الآداب، ۱۳۸۵.
۲۳. دارمى، عبدالله بن عبدالرحمن، *سنن الدارمى*، تحقيق اسد دارانى و حسين سليم، عربستان سعودى: دارالمغنى للنشر و التوزيع، ۱۴۱۲ق.
۲۴. ذهبى، الامام الحافظ شمس‌الدين محمد، *سير اعلام النبلاء*، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۵ق.

۲۵. ذهبی، الامام الحافظ شمس الدين محمد، معرفة القراء، تحقيق محمد سيد جادالحق، بی جا: دارالتأليف، بی تا.
۲۶. ذهبی، ابو عبدالله شمس الدين محمد، تذكرة الحفاظ، بيروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۹ق.
۲۷. راميار، محمود، تاريخ قرآن، تهران: اميرکبير، ۱۳۷۹.
۲۸. الزركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۰ق.
۲۹. الزنجاني، ابو عبدالله، تاريخ القرآن، تهران: منظمه الاعلام الاسلامى، ۱۴۰۴ق.
۳۰. السبزواري، محمد بن محمد، جامع الاخبار او معارج اليقين فى اصول السدين، تحقيق علاء آل جعفر، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، بی تا.
۳۱. السجستاني، ابوبكر بن ابى داود، كتاب المصاحف، قاهره: الفاروق الحديثة للطباعة و النشر، ۱۴۲۳ق.
۳۲. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، الاتقان فى علوم القرآن، الطبعة الثانية، بيروت: دارالکتب العربى، ۱۴۲۱ق.
۳۳. شيبانى، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الارنؤوط و ديكران، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۳۴. شيخ صدوق، ابى جعفر محمد بن على، الخصال، تحقيق على اكبر الغفارى، قم: جماعة المدرسين، ۱۳۶۲.
۳۵. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الطبرى و هو تاريخ الرسل و الملوك، مراجعه صدقى جميل العطار، الطبعة الثانية، بيروت: دارالفكر، ۱۴۲۳ق.
۳۶. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، الامالى، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۳۷. عسقلانى، احمد بن على بن حجر، الاصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق عادل احمد عبدال موجود و على محمد معوض، بيروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۵ق.

۳۸. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، فضائل القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۳م.
۳۹. غزالی، الامام ابی حامد محمد، احیاء علوم الدین، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۶ق.
۴۰. الفضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنیة، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۵ق.
۴۱. قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، سیرت رسول الله، تحقیق اصغر مهدوی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷.
۴۲. قیسی، مکی بن ابی طالب حموش، الابانة فی معانی القراءات، تحقیق عبدالفتاح اسماعیل شلبی، قاهره: مطبعة الرسالة، بی تا.
۴۳. کتانی، محمد عبدالحی، نظام الحكومة النبویة المسمى التراتیب الاداریة، تحقیق عبدالله خالدی، الطبعة الثانية، بیروت: شركة دارالارقم بن ابی الارقم، بی تا.
۴۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۵. الممتقی الهندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
۴۷. مسعودی، ابی الحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، شرح محمد قُمیحه، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق.
۴۸. مسلم بن الحجاج النیسابوری، صحیح مسلم، اعتنی به یاسر حسن، عزالدین ضلی و عمادالطیار، بیروت: مؤسسة الرسالة ناشرون، ۱۴۳۰.
۴۹. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران: سمت، ۱۳۷۵.
۵۰. مقدسی، ابوشامه، المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
۵۱. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بی جا: مکتبه الثقافة الدینیة، بی تا.

۵۲. نويسنده ناشناس، مقدمتان في علوم القرآن: مقدمه كتاب المباني و مقدمه ابن عطيه، تصحيح عبدالله اسماعيل صاوي، قاهره: دارالصاوي، ۱۳۹۲ق.
۵۳. منذري، حافظ زكي الدين عبدالعزيز، مختصر صحيح مسلم، رياض: دارالسلام للنشر و التوزيع، ۱۴۲۳ق.
۵۴. موسى بن عقبه، ابى محمد، المغازى النبوية، تحقيق حسين مرادى نسب، قم: منشورات ذوى القربى، ۱۴۲۴ق.
۵۵. النووى، محيى الدين يحيى بن شرف، التبيان في آداب حملة القرآن، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۵۶. واقدى، محمد بن عمر، المغازى، تحقيق مارسدن جونس، الطبعة الثالثة، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
۵۷. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت: دارصادر، بى تا.

